

نگرشی بر بافت های فرسوده و سکونتگاه های غیر رسمی

مطالعه موردی (شهر سنندج)

محمد صادق عزیزیان^۱، امید قاسمی^۲

^۱مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان کردستان. Azizianms@gmail.com

^۲دانشجوی رشته معماری، مرکز آموزش علمی - کاربردی (صنایع دستی کردستان)

کارشناس کنترل پروژه، اداره کل راه و شهرسازی استان کردستان. Om_gha1257@yahoo.com

چکیده

نارسایی در مدیریت بافت های فرسوده ، علاوه بر نبود نگرش استراتژیک به ساماندهی بافت های فرسوده، ناشی از اجرائشدن استراتژی های تدوین شده در این زمینه است. هرچند حلقه های گم شده هماهنگ کننده و تداخل فعالیت های ساماندهی بافت فرسوده به وسیله امر مشارکت در تدوین استراتژی ها به حداقل رسیده و ضمن تبیین بهتر وظایف سازمانهای مختلف مدیریت شهری، ارتباطات آنها را تنظیم می کند، اما اگر استراتژی های تدوین شده به وسیله خطوط پیوسته تا اجرا استمرار نیابد، باعث اختلال در سازوکار اثرگذاری آنها خواهد شد. امروزه بالا بودن درجه آسیب پذیری گروه اصلی جمعیت محلات فرودست شهری که همانا کودکان و نوجوانان می باشند شناخت ابعاد فکری و روانشناختی آنها را ضروری ساخته است تا از این طریق برنامه های توانمندسازی ویژه کودکان و نوجوانان استخراج شده و به مورد اجرا گذاشته شود. یافته ها نشان می دهد که در صورت بی توجهی به این گروه سنی به فرض موفقیت برنامه های ساماندهی کالبدی، بازتولید حاشیه نشینی و تبعات آن امری طبیعی خواهد بود. سکونتگاه های غیررسمی بیش از این که محل سکونت یک قوم باشند، محل سکونت اقشار کم درآمد جامعه به شمار می روند. از این رو تنوع فرهنگی و طایفه ای در این محله، به عنوان مانعی برای مشارکت و همکاری بین گروهی به شمار می رود. به این ترتیب ارتقای سطح مشارکت عمومی و سرمایه اجتماعی نیز هدف دیگری در همین راستا است که باید از طریق ظرفیت سازی اجتماعی نهادهای محلی، ساز و کار نهادینه مشارکت مردم در امور محله و ارتقای سطح اعتماد اجتماعی نهادی صورت پذیرد. این تحقیق بر آن است که گذری بر نگرش و دیدگاه های مرتبط با بافت های فرسوده و سکونتگاه های غیر رسمی داشته باشد.

واژگان کلیدی: سکونت گاه های غیر رسمی، بافت های فرسوده، بهسازی، توانمندسازی، سنندج.

۱-مقدمه

یک بنای تاریخی قبل از آن که معرف صورت مسأله فنی - ساختمانی باشد در برگیرنده یک سلسله روش های تفکر و رفتارهای محیطی است که راه و رسم زندگی مردمان عصر خود را بازگو می کنند. (فلامکی، ۱۳۸۶: ۱)

سکونتگاه های غیررسمی و حاشیه ای از جمله چهره های بارز فقر شهری به شمار می روند که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکل خودر، و فاقد مجوز و برنامه ریزی، با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می گیرند. این امر، مشکلات جدی و بی شماری را به دنبال داشته که شامل سطوح بالایی از بیکاری در شهرها، فشار فوق العاده بر خدمات و زیرساخت های شهری،

و نارسایی های شدید در فراهم آوردن مسکن برای ساکنان شهری است. چنانکه براساس گزارش سازمان ملل متحد، حاشیه نشینی و آلودگی نشینی چالش اصلی هزاره سوم معرفی شده است. براین اساس در جهان از هر ۶ نفر، یک نفر در زاغه ها زندگی می کنند و بدون عمل مشترک دولت و مشارکت ساکنان، جمعیت یک میلیاردی زاغه ها در سال ۲۰۳۰ به دو میلیارد نفر خواهد رسید. (Jennervik, 2006: 1)

بدون تردید نیایدهای موجود در بافتهای فرسوده که با ساخت وسازههای شهری امروزی از لحاظ ایمنی و کارکردی همخوانی ندارد، مورد اقبال عمومی نبوده و از سوی دیگر بنا به پیچیدگی های موجود در این مناطق از حیث مالکیتی که پس از جابجایی نسلهای ساکن در آنها با مشکل وراثت روبرو شده، عملاً برخی از این مناطق را به بخش غیر فعال و متروکه شهر تبدیل کرده است. با این وصف مهمترین چالش در امر مدیریت مناطق یادشده، تعدد سازمانهای تصمیم گیر و اجرایی در این زمینه است که همسو کردن این نهادها در نحوه نگرش و اجرای پروژه های ساماندهی و احیای این بافت ها، امکان هدفمند کردن اعتبارات پیش بینی شده در ردیف بودجه نهادهای دولتی و سرمایه گذاری های محلی را فراهم می سازد. بنابراین ایجاد مدیریتی واحد با مشارکت دستگاههای دولتی و محلی در این زمینه اقدامی مؤثر برای گام نهادن در مسیر هرچند پر پیچ و خم ولی تاثیر گذار در امر احیا بافت های فرسوده خواهد بود. (مجله هفت شهر، فروزنده، آرانی، نمکی، سرکاری، ۳۳-۳۴ : ۱۳۸۹)

تحت طرح بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن، مجموعه ای از فعالیتهای بهسازی و توانمندسازی در سکونتگاههای غیررسمی مراکز پنج استان (بندرعباس، کرمانشاه، زاهدان، سنندج و تبریز) طی سالهای ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۸ انجام شده است. بدیهی است که سنجش دست آوردها و کاستیهای فعالیتهای طرح در شهرهای یاد شده حائز اهمیتی کانونی جهت صورتبندی تمهیدات آتی در سکونتگاههای تحت پوشش و دیگر نواحی کشور است. (مجله هفت شهر، پویا علاءالدینی- احمد غنی، ۳۳-۳۴ : ۱۳۸۹)

۲- بحث و نتایج

۲-۱- دسته بندی بافتهای فرسوده و مشکل اصلی بافتهای فرسوده

بافتهای فرسوده را به یک اعتبار می توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول بافت هایی که در گذشته فرسوده نبوده اند. مثلاً محله های قدیمی شهرها که در گذشته محله های آبادی بوده و ساکنین با درآمد متوسط و بالایی داشته اند. ولی به مرور زمان به دلایلی همچون جابجایی جمعیت و توسعه شهر به سمت های دیگر، ساکنین آن محله خود را ترک کرده و اکنون افراد کم درآمد در آن جا ساکن هستند. دسته دوم هم با وجود این که بافت های جدیدی هستند، ولی توسط افراد کم درآمد و با کیفیت نامناسب ساخته شده اند. این بافت ها با وجود این که نوساز هستند، از نظر ریزدانی، دسترسی و کیفیت ساختمان و عدم مقاومت در مقابل زلزله می تواند جزو بافت فرسوده قرار بگیرند. مشکل اصلی بهسازی بافت های فرسوده، آگاهی دادن به مردم است و این که از طولانی شدن روند کار به دلیل روند های اداری نامناسب جلوگیری شود. (مجله هفت شهر، اعتمادی، ۳۳-۳۴ : ۱۳۸۹)

۲-۲- سنجش دست آوردها و نارساییهای تمهیدات در دو محله عباس آباد و فرجه شهر سنندج

دست آوردها و نارساییهای تمهیدات بهسازی و توانمندسازی در سکونتگاههای غیررسمی سنندج، تحت طرح بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن، سنجیده می شود. اجرای مطلوب پروژه ها و نهادینه سازی و پایداری تمهیدات میان بخشی و چند بخشی در سکونتگاههای غیر رسمی نیازمند جلب حمایت همه دستگاهها و توجه کافی به ارتقای ظرفیت آنها به شکلی فراگیر و عمیق است. (مجله هفت شهر، پویا علاءالدینی- احمد غنی، ۳۳-۳۴ : ۱۳۸۹)

به واسطه فعالیتهای طرح درجه ای از هماهنگی میان دستگاههای مدیریت شهری تمرین شده است. مثلاً طی طرح، نخست شبکه آب و فاضلاب احداث شده و متعاقب آن بهسازی معابر و اصلاح شبکه برق صورت گرفته است تا از اتلاف منابع و ایجاد مزاحمت گراف برای ساکنان جلوگیری شود. افزون براین، بسیاری از تمهیدات، به ویژه مطالعات و فعالیت های توانمند سازی، به دست سازمانهای غیردولتی و شرکتهای محلی و افراد بومی کرد انجام شده است که از نقاط قوت طرح در سنندج محسوب می شود. (همان منبع)

افزون بر این، انتظار می رفت که، با استفاده از تجارب فعالیتهای سه شهرنخست طرح (کرمانشاه، بندرعباس و زاهدان)، اجرای پروژه ها در سنندج با آهنگی شتابان میسر گردد و به ویژه تمهیدات ظرفیت سازی در نهادهای مدیریت شهری و توانمندسازی اهالی سکونتگاههای هدف

در سطحی مطلوب تر انجام پذیرد و از خطاهای استراتژیک پرهیز شود، در عمل چنین نشده است. این مشاهده خود تأمل برانگیز است، زیرا قرار است آموخته ها در یک جا حداقل موجب تسریع و بهبود کارها در دوره های زمانی و مکانهای بعدی گردد. ظاهراً مرحله آماده سازی فعالیتهای در سندج به درستی انجام نشده و دچار وقفه گشته است. افزون بر این، مطالعه مشاور امکان سنجی با دشواری هایی از جمله فقدان تجربه روبرو شده است. پیشنهادهای مستخرج از امکان سنجی نیز به درستی مبنای تعریف پروژه ها قرار نگرفته اند؛ اعمال نفوذ غیر کارشناسانه در انتخاب پروژه ها از یک سو و تلاش در جذب سریع اعتبارات در زمانی کوتاه (با توجه به وقفه های مکرر و اتلاف وقت زیاد بیش از آن) از سوی دیگر تا حدی در فعالیتهای سندج مشهود است. (همان منبع)

فعالیت های طرح با برخی عوامل منفی بیرونی و غیر مترقبه نیز مواجه بوده اند. به ویژه مسئولان محلی در طول طرح بارها عوض شده و تجارب و ظرفیتهای به وجود آمده از دست رفته اند. همچنین نظر دولت نسبت به همکاری با سازمانهای غیر دولتی و تشویق فعالیتهای آنها در طول دوره طرح تغییر کرده و به نسبت منفی شده است. (همان منبع)

ناآشنایی برخی مسئولان با اهداف و رویه های طرح نه تنها موجب کندی پیشرفت کارها شده بلکه برخی سوء تفاهم ها را نیز به وجود آورده است. به عنوان مثال، به نظر می رسد برخی از مسئولان انتظار داشته طرح بتواند مشکلات اقتصادی سکونتگاههای هدف را نیز رفع کند. به گفته یکی از مسئولان ستاد توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی « برای اینکه بفهمی بیکاری در این سکونتگاهها چقدر است کافی است در وسط روز مثلاً ۱۰ یا ۱۱ صبح به یکی از خیابانها یا کوچه های این سکونتگاهها بروی و دعوا کنی. آن وقت می بینی در چه مدت کوتاهی چه تعداد زیادی مرد از جوان تا میانسال جمع می شوند. اینها همه نشان از بیکاری ساکنان این سکونتگاهها خصوصاً مردان دارد. » مشکل بیکاری و کم کاری در سکونتگاههای غیر رسمی سندج به واقع بزرگ است. هرچند از طرح بهسازی انتظار تغییر این وضعیت نمی رفته، اما در هر صورت مقتضی بوده است توجه بیشتری به اطلاع رسانی درست در مورد حیطه فعالیتهای آن می شود. (همان منبع)

محرومیت زنان، کودکان و نوجوانان از دسترسی به خدمات پایه و رفاهی از جمله مسائلی است که زمینه های نارضایتی و فقر و محرومیت را بازتولید می کند. (مجله هفت شهر، رحیم سرور، ۳۳-۳۴: ۱۳۸۹)

از آنجا که سکونتگاههای غیر رسمی غالباً محل استقرار جمعیت هایی با پیشینه فرهنگی روستایی است، فضای ذهنی حاکم بر آنها با فضای ذهنی حاکم بر شهر، گسست دارد؛ به این معنا که معیارهای شهری در رفتار و سلوک ساکنین این گونه سکونتگاهها چندان پررنگ نیست و این امر در مورد فضای ذهنی شان نیز صدق می کند. نقاشی کودکان در اکثر موارد دارای انسجام و نظم هندسی شهری نیست و اکثر آنها نماینگر فضای جغرافیای روستایی است. (همان منبع)

این نقاشی ها و نوشته های داخل آنها تنها بخش کوچکی از تعارض محیط محله با محیط ذهنی افراد بوده و به عبارتی دیگر گویای عدم توانایی محیط در تامین نیازهای روحی - فکری کودکان می باشد. (همان منبع)

سالم سازی محیط محله، بهسازی واحدهای مسکونی، رسیدگی به نیازهای عاطفی - فکری کودکان، زدودن تعارض میان شخصیت و خواسته های کودکان و ساکنان محله تنها بخشی از اولویت های استخراج شده از تصاویر ذهنی کودکان می باشد. (همان منبع)

۲-۳- تعدادی از انواع الگوهای مداخله در اسکان غیر رسمی و آسیب شناسی آنها

خودیاری از دیگر روشهای به کار گرفته شده در سکونتگاههای غیر رسمی بوده است. منظور از خودیاری استفاده از نیروی کار، مهارتها، استعداد سازماندهی و توان مدیریت خانوار در ساخت و بهسازی واحد مسکونی خود است. (لاکویان، ۶۷: ۱۳۶۴) با این حال عدم وجود حق مالکیت برای ساکنان، توان اندک فقرا برای سرمایه گذاری در ساخت و ساز و به تبع آن طولانی شدن دوره ساخت و ناپایداری مسکن سبب شده که رویکرد فوق مورد قبول اغلب برنامه ریزان قرار نگیرد. (مجله هفت شهر، شیخی، داودوندی، ۳۳-۳۴: ۱۳۸۹)

مسکن عمومی از دیگر رویکردهای فراگیر برای حل مشکل سکونتگاههای غیر رسمی به شمار می رود. این الگو بالاترین سطح مداخله دولت را در بر دارد. هزینه بالای طرح، ناهمخوانی نقشه واحدها با سبک زندگی، تاکید بر استانداردهای غیرواقع بینانه، عدم توان پرداخت اقساط از سوی مالکان از جمله عللی بود که منجر به شکست این طرح شد. (شکویی، ۱۷۹: ۱۳۵۵) پس از الگوی مسکن عمومی، الگوی مکان و خدمات بود که هدف آن ارائه قطعات زمین با زیرساخت های اساسی برای گروههای هدف است. تاخیر اداری و کمبود نیروی ماهر، جایجایی مردم

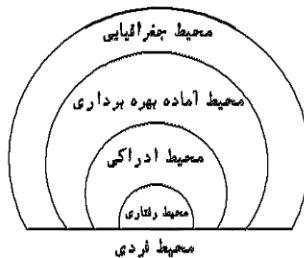
وگردهم آمدن مردمی با تنوع قومی و نژادی، کسری منابع مالی از مشکلات این طرح به شمار می رود. (مجله هفت شهر، شیخی، داودوندی، ۳۳-۳۴ : ۱۳۸۹)

از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به بعد راهبرد توانمندسازی به همراه بهسازی توصیه شد. روش توانمندسازی، راهبری جهانی برای تامین مسکن اقشار فقیر محسوب می شود که در نشست عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ مورد پذیرش قرار گرفت. این رویکرد به مثابه یک سیاست اجتماعی از این نگرش سرچشمه می گیرد که کاهش فقر شهری نیازمند مدیریت همزمان جنبه های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی است. این راهبرد بر بسیج تمامی امکانات و عوامل بالقوه برای تامین مسکن و بهبود شرایط زندگی سکونتگاههای غیر رسمی تاکید دارد و به مردم این فرصت را می دهد که شرایط مسکن و محیط زندگی خود را با توجه به اولویت ها و نیازهایشان بهبود بخشند. (جباری، ۱۳۷۶) این الگو، رویکرد اخیر برای مواجهه با سکونتگاههای غیر رسمی به شمار می رود. (مجله هفت شهر، شیخی، داودوندی، ۳۳-۳۴ : ۱۳۸۹)

برای تحقق اهداف کلان و سازمان فضایی، لازم است راهبردها، سیاست ها و برنامه های اجرایی (اهداف خرد) مناسبی در محله هدف تدوین و به اجرا درآید که استخراج هر یک از راهبردها و سیاست ها، در ابتدا مستلزم شناسایی مسایل و مشکلات این محله و مسایل استراتژیک آن است. همچنین از آنجا که مطالعات انجام شده باید بتواند مسائل ساختاری متنوع و سایر پیچیدگی های مرتبط با فرآیند توسعه در اجتماعات محلی را پاسخ دهد، ضروری است که با توجه به اهداف و محتوای طرح، براساس، اهمیت، اولویت بندی میان موضوعات صورت گیرد. از این رو پس از شناسایی مسایل و مشکلات یک محله باید به استخراج مسایل استراتژیک آن پرداخت. پس از شناسایی مسایل و مشکلات، نقاط قوت و ضعف، فرصت و تهدیدهای محله مورد بررسی قرار گرفته و سپس با تحلیل های کارشناسان از تقاطع هر کدام از موارد، به مجموعه ای از راهبردهای مداخله به منظور توانمندسازی اجتماعات محلی پرداخته شده است. (همان منبع)

چون سازماندهی بافت فرسوده موضوع فعالیت چندین سازمان مدیریت شهری است، تحقق اهداف ساماندهی منوط به اجرای استراتژی تدوین شده در بستر ساختار مناسب مدیریت شهری است. با توجه به عدم تحقق مدیریت واحد شهری، برای ساماندهی بافت های فرسوده شهری، علاوه بر ترسیم استراتژی های مناسب، باید کلیه ذینفعان (جامعه هدف، نهادهای غیردولتی و سازمانهای دولتی) را در جهت استراتژی های همسو و هم راستا کرد و همسویی نیز نیازمند هماهنگی ذینفعان متنوع است. (بزانکو و دیگران، ۱۳۸۵)

جوزف سانفلد یک طبقه بندی رفتاری از محیط را به شرح نمودار شماره یک ارائه می دهد در این سلسله مراتب محیط رفتاری بخشی از محیط ادراکی محسوب می شود و در رفتار و تصمیم گیری فرد تاثیرگذار است در واقع در محیط رفتاری، رفتار انسان هدایت می شود و جهت می یابد. محیط رفتاری جهت مردم، تنها محیط واقعی بشمار می آید بنابراین کالبد شکافی و تحلیل ابعاد و زوایای این محیط قدم اول برای برنامه ریزان و تسهیلگران در حوزه توانمندسازی اجتماعات محلات فرودست شهری بشمار می رود. (مجله هفت شهر، رحیم سرور، ۳۳-۳۴ : ۱۳۸۹)



نمودار شماره ۱- طبقه بندی سلسله مراتبی از محیط

موفقیت مدیریت ساماندهی بافتهای فرسوده نیازمند اتخاذ و اجرای استراتژی های اثربخش و بهبود مستمر عملکرد است که از طریق طراحی و تعیین اهداف و استراتژی ها، برنامه ریزی و اجرای استراتژی ها و به تبع آن کنترل و ارزیابی عملکرد محقق می شود. (امیر کبیری، ۱۳۷۷) دلیل موفقیت سازمانهای برتر، نه داشتن یک استراتژی خوب بلکه اجرای خوب یک استراتژی است. یک استراتژی هر قدر هم که خوب تدوین شده باشد اگر اجرا نشود، با نداشتن آن استراتژی یا حتی بدون آن هیچ تفاوتی نخواهد کرد. موفقیت استراتژی زمانی حاصل می شود که استراتژی صحیح به شکلی صحیح اجرا شود. (حسینی، عزیزی، شهریار، ۱۳۸۵)

اهمیت چشم انداز و چشم انداز سازی در تعیین سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بافت فرسوده گونه ای است که می توان آن را به مثابه قلب فرآیند برنامه ریزی محسوب نمود. (تبری، ۱۳۸۶) تدوین و اجرای چشم انداز نه یک انتخاب بلکه ضرورت است. چشم انداز بافت فرسوده و تاریخی عبارت است از : ۱- وصف روشن و فشرده از آینده طولانی مدت برای بافت . ۲- بیان ویژگی هایی که به بافت تصویری قابل ادراک و متمایز می بخشد . ۳- مجموعه ای از ارزشها که تصمیم گیری آتی را هدایت نماید. چشم انداز ساماندهی بافت فرسوده تصویری از آینده می سازد که جهت گیری ساماندهی بافت فرسوده را تشریح و به سازمان ها کمک می کند تا بفهمند چرا و چگونه باید ساماندهی بافت فرسوده را پشتیبانی کنند. (گلکار، آزادی، ۱۳۸۴)

درگستره مرمت ساختار یا استخوانبندی معماری، مقوله هایی به میان می آیند که مرمتگران نمی پذیرند که از آنها چشم ببوشند. تجربه مرمتگران معماری به آنان نشان می دهد که نمی توان به پایداری بناها از طریق تقویت و مقاومت آن دست یافت، هر آینه به فرهنگ رفتاری و حریم گذاری و حرمت نهادن بر ارزش های نهفته در بناها توجه نشود. (فلاحی، ۱۳۸۶:۳۲)

تأثیر گذشت هر فصل از سال بر پیکره بنا، به خصوص در ساختمانهای منحصر به فرد شهرها و هنوز بیش تر در بافت های مسکونی شهرهای قدیمی ما، امری پیش بینی شده است. تجدید کاهگل روی بام و روی دیوارهای خارجی و داخلی بناف برچیدن و بازسازی آجر فرش ها، تجدید بندکشی ها، پیش گیری از خرابی کارآفت های حیوانی در آن دسته از عناصر ساختمانی که دارای الیاف نباتی اند، لای روبی، تهویه و غیره ... اقدامات اولیه مرمتی برای بناهای فوق به شمار می آیند. (همان منبع، ۳۳)

با گذشت زمان، تقریباً همیشه، مقیاس و مختصات کاربردهای بنا و نیازهای مردم با آن چه در شروع زندگی بنا وجود داشته است، آشکارا تفاوت پیدا می کند. به عبارت دیگر، از یک طرف طرز استفاده از راه حل هایی تازه تر برای جواب گویی به مسائل فنی ساختمانی قدیمی (چه در کاربرد مصالح ساختمانی و چه در نوآوری های تکنولوژیک، در رابطه با تضادها و هماهنگی های صوری در شکل گیری بنا)، هنگام جایگزین شدن مجددش در بافت موجود مطرح می شود و از طرف دیگر، انعکاس اختلاف سلیقه ها، سنت ها، احتیاجات و کاربردها، (چه در سطح واحد معماری و چه در محیط بنا)، مبحث پیچیده ای را پیش می آورند. (همان منبع، ۳۴)

عوامل فرسودگی و تخریب بناها را می توان به صورت قراردادی و موقت به سه رده متفاوت تقسیم کرد : عوامل درونی، عوامل برون و عوامل ماده ای. با اشاره به این که به سختی می توان حدی بین این سه رده تعیین کرد و به منظور رده بندی و نظم دادن به کارها، پیش از هر چیز، شناخت مبدأ عوامل مخرب مطرح است. (همان منبع، ۵۴)

۲-۴- مشارکت شهروندان

در محیط های شهری دنیای مدرن، مردم به دلیل در اختیار داشتن امکانات فراوان برای جابجایی غالباً کمتر به تشریح مساعی در «مکان» می پردازند و چندان مراقبتی هم از آن به عمل نمی آورند. تازه در صورت مشارکت نیز تنها به «شراکت در ساز و کار شهر بدون شعور واقعی بر آن» اکتفا می کنند. (Rossi , The Architecture ... , 120) این قبیل اعمال تنها سهم باری از سیمای شهر محسوب می شود و نمی توان آنها را مشارکت خواند. امروزه عامه مردم درمقایسه با گذشته، از وقت، آزادی و محیط فیزیکی گسترده تری برخوردارند. اما بجای استفاده از این مزایا، بیشتر اوقات خود را در گرفتاری، در هیجانات کاذب و در بی حوصلگی و بی قراری سپری می سازند. (یاراحمدی، ۱۳۷۸: ۱۹۸)

نیاز واقعی زمانه در انتقال کیفیات و ارزشهای انسانی به طرح های معماری و شهرسازی خلاصه می شود. بدین ترتیب، معماران و طراحان شهری با سپردن این مطلب به ذهن خود شهرهایی خواهند ساخت که وسیله یا ماشین زندگی کردن نیستند. این شهرها خانه خواهند بود : دنیاهایی که انسان برای «خویشتن» برپا می دارد. (همان منبع، ۲۵۳)

نتیجه گیری

کودکان ساکن سکونتگاههای غیر رسمی به اعتبار پایگاه اقتصادی واجتماعی که دارند تصویر ذهنی و نقشه های ادراکی محدودتری از محله خود ارائه می دهند، این گروه جهت رفت و آمد، رفتن به مدرسه یا بازار فاصله های کمتری را می پیمایند و از اتومبیل کمتر استفاده می

کنند لذا تصویر کاملتری از محله خود را ارائه نمی دهند و در بهترین وضعیت تنها شناخت آنها از محله خودشان است نه از شهر و عبارتی از شهر خود تصویری یا شناختی ندارند.

بر اساس مکتب فرهنگ فقر که توسط اسکار لوئیس ارائه شده است ساکنان محلات فقیر، دچار نوعی فرهنگ فقر هستند که مانع عمده ای برای برون رفت آنها از وضعیت فقر می باشد، به رغم نقدهای اساسی وارد به این نظریه، جدایی گزینی فضایی ابتدا در حوزه اقتصاد و فرهنگ و قبل از آن نیز در حوزه ذهن افراد اتفاق می افتد و به دنبال این ذهنیت است که افراد نوع روابط خود را با سایر محلات و با سایر ساکنین و اصولاً فرهنگ شهری تنظیم می کنند و همچنین بر این مینا تصویر روشن یا مبهمی از محله یا شهر خود به صورت تصویر ساخته و همان تصویر مبنای تصمیم گیری و رفتار افراد و خانواده های محلات فرودست در ابتدا با مقولاتی همچون مشارکت، توانمندسازی، حرفه آموزی، آموزش و غیره محسوب می شود.

پیشنهادهای

پیشنهاد می شود [شده است] که توانمندسازی گروه کودکان و نوجوانان در اولویت برنامه های ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی قرار گیرد، در این راستا ساخت و تجهیز مدارس، تامین امکانات پرورشی، ساخت خانه های فرهنگ، ساخت مرکز پرورش فکری کودکان و نوجوانان، برگزاری اردوهای علمی - فرهنگی، برگزاری مرتب دوره های حرفه آموزی و غیره بایستی مورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت به فرض موفقیت کامل برنامه های موجود، بازتولید جدایی گزینی فضایی - اجتماعی به تبع جدایی گزینی فکری - رفتاری اتفاق افتاده در کودکان و نوجوانان، امری طبیعی خواهد بود.

سکونتگاههای غیر رسمی و نابسامان شهری، شکل بی ضابطه ای از تجمع مکانی گروههای کم درآمد و اغلب مهاجر در نقاط آسیب پذیر شهر است که به صورت کاملاً خودرو و فاقد مجوز رسمی از نهادهای قانونی شهر ایجاد می گردند. این گونه سکونتگاهها هر چند جلوه ای از فقر است اما بازتاب کاستی ها و نارسایی های سیاستهای دولتی و بازار رسمی نیز محسوب می شوند. چنانکه بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، زاغه ها و حاشیه ها نتیجه اثرات خط مشی ها و برنامه ریزی نابسند و ناکام، اداره نامناسب، مقررات ناکافی، داد و ستدهای بد زمین، بحران های خانه سازی و فقدان بنیادین اراده سیاسی هستند. هریک از این عوامل، مشکلاتی را برای اجتماعات فقیرنشین شهری بوجود آورده و شانس های بهینه سازی مزایای شهرنشینی را نفی می کنند. به این ترتیب قابلیت پایدار برای توسعه انسانی، زندگی شهری و دستیابی به معیشت پایدار محدود می شود.

منابع

- ۱- فلامکی، محمد منصور، ۱۳۸۶، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۲- یاراحمدی، امیر، ۱۳۷۸، بسوی شهرسازی انسانگرا، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- ۳- امیر کبیری، علیرضا، ۱۳۷۷، مدیریت استراتژیک، تهران، انتشارات ملک.
- ۴- بزنگو و دیگران، ۱۳۸۵، اقتصاد استراتژی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ۵- لاکویان، آپردیسو (۱۳۶۴)، خانه سازی در جهان سوم، ترجمه مینو رفیعی، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- ۶- شکوئی، حسین (۱۳۵۵)، حاشیه نشینان شهری، خانه های ارزاقیمت و سایت مسکن تبریز، تبریز، مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی دانشگاه تبریز.
- ۷- کورش گلکار و جلال آزادی، ۱۳۸۴، استراتژی توسعه شهری چیست؟ نشریه شهرنگار شماره ۳۰.
- ۸- تبریزی، پرگل، ۱۳۸۶، برنامه ریزی استراتژیک شهری در شهر شارلوت، مجله مدیریت شهری، شماره ۸۳، تابستان.
- ۹- خداداد حسینی، سید حمیده عزیزی، شهریار، ۱۳۸۵، مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک (رویکرد جامع)، تهران، انتشارات صفار.
- ۱۰- جباری، حبیب (۱۳۷۶)، نگرش جامعه شناختی به جابجایی مردم در بهسازی بافت های شهری، مجموعه مقالات همایش تخصصی بافت های شهری، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و مسکن.

- ۱۱- مجله هفت شهر، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر شماره ۳۳-۳۴ پائیز وزمستان ۸۹ ، تجربه بهسازی و توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی سندج : دیدگاههای ذینفعان پویا علاءالدینی ، احمد غنی.
- ۱۲- مجله هفت شهر، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر شماره ۳۳-۳۴ پائیز وزمستان ۸۹ ، جغرافیای رفتاری و توانمندسازی کودکان ونوجوانان سکونتگاههای غیر رسمی (مطالعه موردی : محله جمشید آباد شهر خوی) : رحیم سرور.
- ۱۳- مجله هفت شهر، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر شماره ۳۳-۳۴ پائیز وزمستان ۸۹ ، تبیین الگوی مداخله در اسکان غیر رسمی (نمونه موردی محله چاهستانها در شهر بندر عباس) : دکتر محمد شیخی ، طاهره داودوندی.
- ۱۴- مجله هفت شهر، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر شماره ۳۳-۳۴ پائیز وزمستان ۸۹ ، مدیریت هماهنگ شهری برای ساماندهی بافتهای فرسوده شهری(تجربه ساماندهی بافت فرسوده شهر آران و بیدگل): لطف ا... فروزنده دهکردی، علی اصغر شیره پز آرانی ، مقداد نمکی و محمود سرکاری.
- ۱۵- مجله هفت شهر، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر شماره ۳۳-۳۴ پائیز وزمستان ۸۹ ، مصاحبه با سرکار خانم دکتر اعتماد از جامعه مهندسين مشاور.
- 19- Jennervik,a.,2006,Improving Slum Conditions through Innovative Financing,- in, TS-27 Upgrading Informal Settlements:Access to Human Rights and Finace, Munich,Germany,October 8-13
- 20-Rossi,Aldo:The Architecture of the City. Translated by Diane Ghirardo and Joan Ockman.Cambridge,Massachusetts,and London: The MIT press,1986 (L,Architettura della Citta, padua,1966).
- 21-Mohanty,M.,2006,Urban Squatters,Informal,Sector and Livelihood Strategies-of Poor in Fije Islands:gttp://web.Mit.Edu/Urbanupgrading/Upgrading/Whatis/Index.htm
- 22-Majale,M.,2002,Towards Pro-poor Regulatory Guidelines for Urban Upgrading.Schumacher Center for Technology and Development Kingdom
- 23-.D.J.Walmsly and G.J.Lewis (1985).Human Geography,P.4